

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره سوم-پائیز ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۹

نقش تشبیه در بازتاب مضامین رمانتیکی سروده‌های نادر نادرپور

(ص ۱۳۱-۱۱۱)

رضا خلیج (نویسنده مسئول)^۱، سید احمد پارسا^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۰۹/۰۴

چکیده:

دهه‌سی یکی از دوره‌های بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در تاریخ ادبی معاصر ایران بشمار میرود. از یکسو صدای تکامل رمانتیسم به گوش میرسد و از مهمترین دوران فعالیت مکتب ادبی رمانتیسم در ایران است و از سوی دیگر، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در این دوره روی میدهد. یکی از چهره‌های شاخص جریان ادبی رمانتیسم در دهه‌سی نادر نادرپور (۱۳۰۸-۱۳۷۸ش) میباشد. یکی از مشخصه‌های مهم سبکی سروده‌های او ارائه درونمایه‌های رمانتیسم و ویژگیهای تصاویر رمانتیک در قالب تشبیهات بکر و غریب است. پژوهش حاضر، به نقش تشبیه در بازتاب مضامین رمانتیکی سروده‌های نادر نادرپور بعنوان یک خصیصه سبکی میپردازد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها با استفاده از شیوه تحلیل محتوی بررسی شده‌اند. نتیجه نشان میدهد بیشترین بار مضامین رمانتیکی سروده‌های نادرپور بر عهده تشبیهات بویژه تشبیهات غریب و نو اوست و شاعر به خوبی توانسته مؤلفه‌ها و ویژگیهای فکری-محتوایی رمانتیسم فردی را به بهترین شیوه ممکن با استفاده از تشبیهات بکر خود، بنمایاند.

کلمات کلیدی: دهه‌سی، رمانتیسم، نادرپور، تشبیه، تشبیه غریب، سبک.

^۱ دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان lemesky35@gmail.com

^۲ استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان dr.ahmadparsa@gmail.com

(۱) مقدمه

یکی از جریانهای غالب ادبی دهه سی و چهل در ایران، جریان رمانتیسم (Romanticism) است. برخی از پژوهشگران، شعر رمانتیک ایران را به دو شاخه «فردی، میانه‌رو، غیرسیاسی، عاشقانه، شهودی و برکنار از جامعه و تاریخ و انقلاب» و دیگر «رمانتیسم اجتماعی - انقلابی» تقسیم میکنند (هفتاد سال عاشقانه، ص ۱۰۲). لنگرودی دهه سی را دوره پرتلاطمی برای رمانتیکهای ایرانی میداند (تاریخ تحلیلی شعر نو، ج دوم: ص ۲۵). یکی از شاعران شاخص رمانتیسم نادر نادرپور (۱۳۰۸ - ۱۳۷۸ ه.ش) است. تسلیمی ضمن بیان این مطلب که شعر رمانتیک، سبک اکثر شاعران دهه سی بود، نادرپور را از شاخه رمانتیسم ساده بشمار می‌آورد (گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران (شعر)، صص ۲۰ - ۲۷). شفیعی کدکنی، نادرپور را سرآمد صدای رمانتیکها و ادامه تکامل راه گلچین گیلانی، توللی و خانلری میداند که بعدها خودش یکی از کانونهای اصلی رمانتیسم میشود (ادوار شعر فارسی، صص ۵۸ - ۶۰). وی «به لحاظ زبان و تصویر توانست راهی را که در شعر رمانتیک نو با فریدون توللی آغاز شده بود، تکامل بخشد» (در جستجوی شعر، ص ۳۷۷). «نادرپور بیش از همه به تصویر، توجه و تعلق خاطر دارد. قدرت شعرش بیش از هر چیز ناشی از تصویرهای ناب و زنده است». (بلاغت تصویر، ص ۴۱۱). «تصویرگری او چنان هست که جاذبه داشته باشد و ما را برانگیزد که خواندن شعر را ادامه دهیم» (چشم انداز شعر معاصر ایران، ص ۲۷۴).

قدرت تفکر و تخیل و تصویرآفرینی نادرپور در میان شاعران رمانتیک معاصر کم‌نظیر است و مخاطب را غافلگیر میکند. تصویرسازیهای او در دو زمینه رمانتیسم فردی و رمانتیسم سپاه نمود پیدا میکند. تصاویر شعری او از یکسو بازتاب تجارب روحی و روانی در زندگی شخصی اوست که از دغدغه‌ها، دل‌نگرانیها، امیدها و یأسها، شادیها و غمها، شکستها و پیروزیها نشأت میگیرد و از سوی دیگر از اوضاع سیاسی - اجتماعی و تحولات عصر او تأثیر میپذیرد. بخش بزرگی از تصاویر او یا بهتر است گفته شود هسته اصلی و مرکزی خیالهای شاعرانه نادرپور را تشبیه تشکیل میدهد. تشبیهاتی اغلب بکر که بار مضامین رمانتیک را بر دوش آنها گذاشته است. لذا بررسی و تحلیل این عنصر بلاغت (تشبیه) ما را در شناخت و درک بهتر رمانتیسم فردی نادرپور و نیز شناخت بهتر سبک شخصی شاعر کمک خواهد کرد.

شناخت بهتر مؤلفه‌های رمانتیک اشعار نادرپور، کمک به درک بهتر سبک شخصی شاعر و سروده‌های او، شناخت بهتر جریان رمانتیسم در دوره خاصی از تاریخ ادبیات ایران، اشاره به تشبیهات غریب و بکر شاعر بعنوان یک خصیصه سبکی و شناخت نقش تشبیه در بازتاب مضامین رمانتیک از اهداف پژوهش حاضر محسوب میشود.

روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. حجم نمونه، سروده‌های دهه سی نادرپور است که با استقرار تام بررسی شده‌اند و نتایج نیز با استفاده از شیوه تحلیل محتوی تجزیه و تحلیل شده است.

پژوهشها و مقالاتی درباره نادرپور و اشعار وی صورت گرفته است. برخی تحقیقات انجام شده، عبارتند از: «بررسی تطبیقی رمانتیسم در اشعار سید قطب و نادر نادرپور» از یحیی معروف و فاروق نعمتی که به بررسی تطبیقی مضامین رمانتیکی مشترک چون شوق بازگشت به دوران کودکی، شوق به وطن، رویکرد شدید عاطفی به معشوق، احساس تنهایی و غربت و... در اشعار دو شاعر پرداخته است (ر.ک. مقاله مذکور، معروف و نعمتی: صص ۲۵۴-۲۷۸). مریم خلیلی جهان تیغ و علی دلارامی در مقاله «برخی از معانی رمانتیستی در شعر نادرپور» بعضی از درونمایه‌های رمانتیکی را بررسی و تحلیل کرده‌اند (ر.ک. مقاله مذکور، خلیلی و دلارامی: صص ۲۷-۵۲). مهدی شریفیان در «روان‌شناسی درد در شعر نادرپور» به بررسی درد و رنج در سروده‌های نادرپور از دید روان‌شناسانه پرداخته است (ر.ک. مقاله مذکور، شریفیان). «مرگ‌اندیشی ختیمی در آثار دو شاعر فارسی و عربی: صلاح عبدالصبور و نادر نادرپور» از فرامرز میرزایی و همکارانش، موضوع مرگ را در اشعار دو شاعر بررسی کرده است (ر.ک. مقاله مذکور، میرزایی، شریفیان و پروانه: صص ۱۵۹-۱۷۷). تحقیقات صورت‌گرفته در مورد تشبیهات نادرپور، بیشتر از منظر تقسیم‌بندیهای رایج کلاسیک و مرسوم در کتب بیانی می‌باشد که از آن جمله شیوا نسب (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی پنج عنصر سازنده شعر در آثار نادر نادرپور» در بخش تخیل، از دیدگاه سنتی به تشبیهات نادرپور نگریسته است. علیرغم پژوهشهای ارزنده مورد اشاره، هیچ پژوهشی در زمینه نقش تشبیه در بازتاب مضامین و ویژگیهای فکری-محتوایی رمانتیسم در سروده‌های نادرپور انجام نشده است. پژوهش بدیع حاضر، اولین گام در این زمینه می‌باشد.

۲) تجزیه و تحلیل

دهه سی یکی از مهمترین دوران فعالیت مکتب ادبی رمانتیسم در ایران است. شغیعی کدکنی معتقد است که از چند صدای عمده‌ای که در دهه سی (از کودتای ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰) بیشتر میشنویم، یک صدا، صدای تکامل رمانتیسم است (ادوار شعر فارسی، ص ۵۹). فتوحی مشخصه‌های رمانتیسم را چنین میدانند: «همدلی و یگانگی با طبیعت، فردیت (بیان آزاد احساسات و هیجانان فردی) و اصالت جهان تخیل» (بلاغت تصویر، ص ۱۱۹). وی همچنین ویژگیهای تصویر رمانتیک را در چهار مورد ذکر میکند: «۱- استحاله شاعر در طبیعت و اشیا ۲- سابه‌واری و ابهام پدیده‌ها در تصویر ۳- پویایی و تحرک تصویر ۴- انعکاس فردیت شاعر در تصویر» (همان: ص ۱۲۳). زرقانی ویژگیهای محتوایی-فکری جریان ادبی رمانتیسم فردی را در چهار مورد ذکر میکند: «۱- توجه به احساسات فردی و غفلت از اجتماع و مردم ۲- رویکرد به عشقهای زمینی و جسمانی بجای عشق

عرفانی و آسمانی ۳- اظهار ملال از زندگی و رویکرد به مرگ و مرگ‌طلبی؛ بخصوص در شاخهٔ رمانتیسم سیاه ۴- کم‌عمق بودن اندیشهٔ شعری و اصالت دادن به آه و سوز عاشقانه. وی نادر نادرپور را شاعر این جریان میدانند (چشم انداز شعر معاصر ایران، ص ۵۳۲).

نادر نادرپور (۱۳۰۸-۱۳۷۸) یکی از شاعران شاخص جریان ادبی رمانتیسم در دههٔ سی می‌باشد. لنگرودی معتقد است که اشعار او بجهت داشتن «جوهر و خصلت رمانتیک و تصاویر زنده، رنگ تند عاطفی و سادگی پرداختن احساس به اندیشه‌ها و دغدغه‌های اساسی آدمی و زبان روان و راحت، در دههٔ سی بیشترین خوانندگان را جلب کرد (تاریخ تحلیلی شعر نو، ج دوم: ص ۵۶). این شاعر رمانتیک به تصویرسازی با تشبیه علاقهٔ ویژه‌ای دارد. تشبیه بعنوان یک عنصر بلاغت، در سروده‌های او نمود بیشتری نسبت به سایر عناصر خیال دارد. نادرپور شاعر صاحب سبکی است که با خلق تصاویر بکر و تشبیهات غریب و با استفاده از آنها بخوبی توانسته مضامین و مؤلفه‌های رمانتیکی را در سروده‌هایش بازتاب دهد و این بصورت یکی از مشخصه‌های مهم سبکی سروده‌های او درآمده است. برخی از مسائل و موضوعات اصلی که درونمایهٔ رمانتیسم فردی شاعر را تشکیل می‌دهند و در تشبیهات دههٔ سی او بازتاب و انعکاس یافته‌اند، عبارتند از: همدلی و یگانگی با طبیعت (طبیعت‌گرایی)، خیال‌پردازی، توجه به فردیت شاعر، پویایی و تحرک تصویر، ناکامی و یأس و اظهار ملال از زندگی، پرداختن به تغزل و عشق‌های مجازی و توصیف شهوت‌آلود از معشوقه‌های زمینی، اندوه رمانتیک. با توجه به این مطلب که «سبک محصول گزینش (choice) خاصی از واژه‌ها و تعبیر و عبارات است» (کلیات سبک‌شناسی، ص ۲۳)، بسامد فراوان واژه‌هایی چون «چشم»، «بوسه»، «زلف»، «لب»، «اندام»، «باده»، «شراب»، «مستی»، «عشق»، «گناه»، «مرگ»، «گور»، «خورشید»، «ابر»، «صبح»، «شفق»، «ماه»، «مهتاب»، «آفتاب»، «باران»، «شب»، «غروب»، «سیاه»، «سیاهی»، «زندگی»، «بخت»، «اشک»، «غم»، «اندوه»، «خیال»، «ناله»، «خزان»، و ... در پیکره و ساختمان تشبیهات نادرپور از مختصات ویژهٔ سبکی سروده‌های این شاعر می‌باشد که در عین حال، ورود او را به جریان شعری رمانتیسم فردی تأیید میکند. ذهنیت رمانتیکی نادرپور زبان شعری او را در همین راستا قرار داده است.

موضوعات عمده، درونمایه‌های تازه و مسائل اصلی موجود در رمانتیسم فردی نادرپور که در تشبیهات دههٔ سی او بازتاب و نمود یافته‌اند، عبارتند از:

۱-۲) همدلی و یگانگی با طبیعت (طبیعت‌گرایی)

همدلی و یگانگی انسان با طبیعت از اصول بنیادین هنر رمانتیک است. شاعران رمانتیک تعلق خاطر ویژه و علاقهٔ وافری به طبیعت و مظاهر و جلوه‌های گوناگون و رنگارنگ آن دارند. آنها «طبیعت را مادر و استاد خویش خوانده‌اند؛ همچون فرزند در دامن مادر مدهوش می‌افتند و بسان شاگرد بی‌اختیار از حضور استاد الهام می‌گیرند. رمانتیکها احساسات درونی و ذاتیات روانی خود را در

طبیعت میریزند و جراحت روح را با انتقال آن به طبیعت التیام میبخشند» (بلاغت تصویر، صص ۱۲۲-۱۲۴). نادرپور شاعر رمانتیکی است که به طبیعت بسیار عشق میورزد و با آن ارتباط ژرف و گسترده‌ای برقرار کرده است. انس زیاد شاعر با طبیعت و پدیده‌های آن باعث شده که بسامد بالایی از تشبیهات او برگرفته از عناصر طبیعت باشد؛ بطوریکه میتوانیم گونه‌ای از تشبیهات او را به نام «تشبیهات طبیعت‌گرا» یا «تشبیهات طبیعت‌مدار» بنامیم. نادرپور در توصیف شاعرانه طبیعت، قدرت کم‌نظیر و شگفت‌انگیزی دارد. او به کمک تصویر- که بدان توجه و التفات خاصی دارد - بسیار هنرمندانه و بدیع، عناصر و جلوه‌های دلپذیر و زیبای طبیعت را در تابلوی شعر خویش نقاشی میکند. «آنگاه که احساس و عاطفه شاعر رمانتیک در طبیعت استحاله شود، تصویر واسطه میان احساس شاعر و طبیعت است» (بلاغت تصویر، ص ۱۲۴).

پدیده‌ها و عناصر طبیعت در تابلوی شعر نادرپور و در تشبیهات او با ذکر بسامد کاربرد عبارتند از: خورشید/ آفتاب (۱۹ بار)، آسمان (۷ بار)، ابر (۷ بار)، صبح (۴ بار)، ماه و مهتاب (۱۱ بار)، شب (۶ بار)، شفق (۴ بار)، باران (۵ بار)، برگ (۶ بار)، باد (۳ بار)، ستاره (۵ بار) و افق (۴ بار) که غالباً بصورت «تشبیه اضافی بلیغ» نمود یافته‌اند. همایی، عالیترین مراتب تشبیه را آن میداند که وجه شبه و ادات تشبیه هر دو حذف شده باشند (معانی و بیان، ص ۱۶۰). وی معتقد است که تشبیه بلیغ، مبالغه و تأکیدش بیشتر است و بلاغت بیشتری دارد (همان: ص ۱۶۱).

۲-۱-۱) خورشید/ آفتاب

نام یکی از دفترهای شعر نادرپور با این بخش از تشبیهات همسویی دارد؛ با عنوان «سرمد خورشید» (۱۳۳۶-۱۳۳۸).

تشبیه آفتاب به مس جوشان، زنبور، شراب تلخ و گس، گاری شکسته، ماهی خونین، کندو و حوری از تشبیهات غریب و بکر نادرپور در حوزه طبیعت محسوب میشوند.

- چشمه‌سار گرم و کف‌آلود آفتاب (مجموعه اشعار، ص ۱۲۷). / گل خورشید (همان: ص ۲۶۹). / مس جوشان آفتاب (همان: ص ۲۳۰). / کرکس پیری که آفتابش خوانند (همان: ص ۲۳۰). / عروس آفتابش زنده در گور است (همان: ص ۳۱۱). / زنبور آفتاب (همان: ص ۳۱۹). / طعم شراب تلخ و گس آفتاب (همان: ص ۳۲۰). / ماهی خونین آفتاب (همان: ص ۳۲۳). / کندوی آفتاب (همان: ص ۳۲۷). / عقاب پیر نگون بخت آفتاب (همان: ص ۳۴۲). / این عنکبوت زرد- که خورشید نام اوست- (همان: ص ۳۶۳). / گاری شکسته خورشید (همان: ص ۳۶۷). / حوری خورشید (همان: ص ۴۰۴).

۲-۱-۲) آسمان

از آنجا که شاعر با طبیعت ارتباط برقرار میکند، بیشتر تشبیهاتش از نوع حسی است. «نادرپور با خلق تشبیهات و استعارات حسی، حوزه تجربه حسی را گسترش می‌دهد. تشبیهاتش نوعی تصرف در روابط اشیا است» (بلاغت تصویر، ص ۴۱۲).

- دفتر زرکوب آسمان (مجموعه اشعار، ص ۳۳۰). / طاق بلند شیشه‌ای آسمان (همان: ص ۳۳۵). / طاق مرمری آسمان (همان: ص ۳۴۰). / حباب فلزین آسمان (همان: ص ۳۶۵). / قدح سبز آسمان (همان: ص ۴۰۱).

تشبیه غریب و بکر آسمان به مخمل فرسوده نخ‌نما:

- و آسمان سحرگاهان / بسان مخمل فرسوده، نخ‌نما شده بود (همان: ص ۴۲۶).

۲-۱-۳ ماه و مهتاب و شب

رمانتیکها برای ماه و مهتاب و شب ارزش ویژه‌ای قایل هستند و آنها را در اشعار خود بکار می‌برند. «شاعر رمانتیک «ماه» را مونس و همدم خویش میداند. «مهتاب» بدلیل ایجاد فضای مبهم و سایه‌وار، زمینه مناسبی برای بیان حالات رمانتیک است. در فضای مهتابی قطعیت و صراحت از میان می‌رود. زمان و مکان نیز در شب مهتابی خیال‌انگیزتر است؛ بهمین دلیل است که شبهای مهتابی و نور کم‌رنگ ماه محبوب رمانتیکها است» (بلاغت تصویر، صص ۱۲۳-۱۲۶). «وصف چشم‌اندازها در غروب، شامگاهان، شب تاریک، فضاها مه‌گرفته و مهتابی در شعر رمانتیک بسیار رایج است» (همان: ص ۱۳۳). و نادرپور نیز از شاعران رمانتیکی است که چنین فضاها و چنین توصیفاتی را در سروده‌هایش انعکاس داده است. با توجه به این مطلب که سایه‌واری تصویر، یکی از ویژگی‌های تصویر رمانتیک است (ر.ک. همان: صص ۱۲۹-۱۳۳)، این مشخصه تصویر رمانتیکی در تشبیهات نادرپور و در سروده‌هایی که در فضای شب و ماه و مهتاب و غروب و موارد این چنینی می‌باشد، قابل مشاهده است. تشبیه شب به توده‌های کلاغان شامگاه، کودک، چینی و تشبیه ماه به کوزه، گلابدان بلور، کبوتر، شراب کف‌آلود و تشبیه مهتاب به نمک، لعاب نیلی و حریر نازک همگی از تصاویر بدیع و بکر نادرپور بشمار می‌روند.

- شبها چو توده‌های کلاغان شامگاه از دور، از دیار افقها رسیده‌اند (مجموعه اشعار، ص ۱۵۵).

- چرا ز کوزه ماه امشب
نمی‌برون نترابیدســـــت؟
(همان: ص ۲۴۱)

- هرگز گلابدان بلور ماه
بر من گلاب نور نمیپاشید
(همان: ص ۲۶۹)

- بر قامتت که وسوسه شستشو در اوست
پاشیده‌ام شراب کف‌آلود ماه را
(همان: ص ۲۵۷)

- در آن دیار مه‌آلوده، روز جان میداد
و شب چو کودکی از بطن روشنی می‌زاد
(همان: ص ۴۲۷)
- چون در رسد کبوتر ماه از فراز کوه (همان: ۱۵۵)
- حریر نازک مهتاب‌های دور (همان: ص ۱۶۲)
- نم نمک میچکد از روزن
در گلویم نمک مهتاب
(همان: ص ۲۶۱)
- چینی شب میدرخشید از لعاب نیلی مهتاب (همان: ص ۲۹۲)
- آنجا که ماه میشکند در دهان موج
چون قرص آتشی که در آب افکند شرار
(همان: ص ۱۳۲)

۲-۱-۴) باران

- شاعر باران را با تصاویر «غبار سربی»، «ناخن زمین»، «چشم کبوتر»، «دیواری از بلور»، «بال زنبوران خواب‌آلود» به تصویر کشیده که همگی تصاویر بسیار بکری هستند. «قدرت شگفت‌آور نادرپور در توصیف شاعرانه طبیعت، چنان فضایی در شعرش ایجاد کرده که خواننده را بی‌اختیار به یاد منوچهری دامغانی می‌اندازد. در این توصیفها، طبیعت، هر لحظه به شکلی و در هیأتی بس زیبا پیش روی ما پدیدار میشود» (چشم انداز شعر معاصر ایران، ص ۴۰۱).
- چرا به خاک نریزد نرم
غبار سربی ببارانی؟
(مجموعه اشعار، ص ۲۴۲)
- زمین به ناخن بارانها
تن پر آبله میخارید
(همان: ص ۲۵۲)
- هزار قطره به خاک افتاد
هزار چشم کبوتر بود
(همان: ص ۲۵۳)
- باران شامگاه، چو دیواری از بلور (همان: ص ۳۹۹)
- من اکنون قطره‌های ریز باران را / - که همچون بال زنبوران خواب‌آلود میریزد - / به روی غنچه
چشمان خود احساس خواهم کرد (همان: ص ۴۱۵)

۲-۱-۵) برگ

- شاعر جز در یک مورد (تشبیه برگها به جامهای کوچک) در بقیه موارد، برگریزان را به تصویر کشیده است. تشبیه برگها به لاشه، پنجه دستی بریده شده، چلچله‌هایی که در هوا آنها را زده‌اند و ... بیانگر پیوند شاعر با طبیعت و دوستی او با برگهاست. «شاعری که قلبش با زندگی و طبیعت میتپد با آنکه این همراهی و همسرایی با حیات را ندارد در ارائه تصویرها و ترسیم صور خیال یکسان

نیست. طبیعت زنده و پویا آنگونه که در شعر شاعران خاصی جلوه دارد، در شعر دسته‌ای دیگر دیده نمیشود» (صور خیال در شعر فارسی، صص ۲۵۰-۲۵۱).

- غروب، گُرد بلا پاشید / به شاخه‌ها تب مرگ افتاد
- به زیر هر قدم باران / هزار لاشهٔ برگ افتاد
(مجموعه اشعار، ص ۲۵۴)

- از بیم آن صدا [باد]، به زمین ریخت برگها / گویی هزار چلچله را در هوا زدند
(همان: ص ۳۲۸)

- هر برگ، همچو پنجهٔ دستی بریده بود (همان: ص ۳۲۸). / مرغان برگها (همان: ص ۳۶۳).

- جامهای کوچک هر برگ (همان: ص ۳۷۱).

- من اکنون برگها را چون ملخها از زمین پرواز خواهم داد (همان: ص ۴۱۵).

۲-۱-۶ ستاره

تشبیه ستاره‌ها به «خطوط میخی و ریز» و «فانوسهای خاموش» تشبیهات بکر و غریبی هستند که باعث برجستگی زبان شعری نادرپور شده است.

- خطوط میخی و ریز ستارگان (مجموعه اشعار، ص ۳۳۰).

- ستارگان همه فانوسهای خاموشند (همان: ص ۳۳۰). / الماس ستارگان (همان: ص ۳۳۰).

- تسبیح شب که مهرهٔ صدها ستاره داشت (همان: ص ۳۴۰). / مرغ ستاره (همان: ص ۴۰۱).

۲-۱-۷ شفق

مشبه‌های شفق، همگی توصیف رنگ شفق (مشبه) از زوایای گوناگون است.

- شب در رسید و شعلهٔ گوگردی شفق (مجموعه اشعار، ص ۱۲۰).

- بس روزها که شعلهٔ نارنجی شفق (همان: ص ۱۵۵).

- گلبرگهای سرخ شفق (همان: ص ۳۲۷). / گلخانهٔ شفق (همان: ص ۳۹۹).

۲-۱-۸ افق

تشبیه افق به لعاب ظرف سفالین، رنگ تفتنه آهن و استخر بلورین از تشبیهات غریب سروده‌های نادرپور است.

- ز نور مفرغیش، آفاق / لعاب ظرف سفالین داشت
(همان: ص ۲۵۳)

- افق در آن شب ابرآلود / به رنگ تفتنه آهن بود
(همان: ص ۲۵۴)

- غرفهٔ کبود افق (همان: ص ۱۶۲). / استخر بلورین افق (همان: ص ۴۰۴)

۲-۱-۹) ابر

اسفنج کبود، حباب سربی، پیله ابریشمین، دیوار کور، کرکس گرسنه و حوله سپید صورتهای مختلف خیال نادرپور در مورد ابر هستند.

- اسفنج کبود ابرها (مجموعه اشعار، ص ۴۱۹). / حباب سربی ابر (همان: ص ۳۴۳). / ابر سیه چو پیله ابریشمین گسیخت (همان: ص ۳۸۱). / دیوار کور ابر (همان: ص ۳۸۱). / چون کرکسی گرسنه در آفاق لعلگون / پر میگشود ابر (همان: ص ۳۸۵). / حوله ابر سپید (همان: ص ۴۰۴).

۲-۱-۱۰) صبح

تشبیه صبح به باده، فانوس زرد، قطره چکان بلور و تشبیه نور سپیده در قدح سبز آسمان به شیر بریده پر از لخته‌های خون از تصاویر نو شعر معاصر است.

- شوم در جام ظلمت، باده صبح (مجموعه اشعار، ص ۱۳۱).

- فانوس زرد صبح (همان: ص ۳۴۰). / قطره چکان بلور صبح (همان: ص ۳۸۰).

- نور سپیده در قدح سبز آسمان شیر بریده‌ای است پر از لخته‌های خون (همان: ص ۴۰۱)

۲-۲) پویایی و تحرک تصویر رمانتیک

یکی از ویژگیهای تصویر رمانتیک، پویایی و تحرک تصویر است. کارکرد تصویر در شعر رمانتیک، در کنار دیگر تصویرها و در پیوند با آنها و در خدمت کل ساختار شعر معنا پیدا میکند و مؤثر واقع میشود. در شعر رمانتیک، پیوستگی و تداوم تصاویر و شکل زنجیره‌وار آنها باعث پویایی و بالندگی تصویرها میشود. این مطلب را که «تصویر در بافت شعر رمانتیک با ساختار شعر و دیگر تصویرها در محور عمودی پیوند محکمی دارد و چون جزء فعال و بنیادین شکل است، نمیتوان آن را بطور مستقل و جدا از کلیت شکل تحلیل کرد» (بلاغت تصویر، ص ۱۴۲)، میتوان در سروده‌های نادرپور و در نمونه‌های شعری زیر بوضوح مشاهده کرد. تشبیه، هسته اصلی و مرکزی خیالهای شاعرانه نادرپور است. وی با استفاده از این عنصر بلاغت و هماهنگی آن با دیگر آرایه‌های ادبی، پیوستگی و تداوم تصاویر و در پی آن پویایی و تحرک تصویر رمانتیک را رقم زده است.

وی در سروده «رؤیایی در آفتاب» که آن را به یدالله رؤیایی و رضا براهنی تقدیم کرده، چنین میگوید:

- توپ بزرگ خورشید از بام آسمان / در کوچه پرت شد / باغ خیال من تهی از آفتاب گشت / برج کبوترم به نسیمی خراب گشت / با مشعل گداخته، پاییز در رسید: / گوگرد برگها، / باروت شاخه‌ها، / از شعله‌های مشعل او سوخت ناگهان / چون چوب‌بست آتشبازی، درختها / در نور کهربایی خورشید، شعله زد / رنگ طلا گرفت. / خمپاره‌های گل به هوا رفت و بازگشت / باد از میان اسکلت شاخه‌ها گذشت / اما، بهار را نفس او / بار دگر به باغ من آورد / بار دگر به دیدن

خورشید، شاخه‌ها / آغوش مادرانه گشودند / شیر شکوفه جوش زد از سینه‌هایشان / زنجیر بغض زجرها در گلو گسست / پر شد فضای خالی باغ از صدایشان (مجموعه اشعار، صص ۴۳۰-۴۳۱).
 سروده زیبای فوق، حاصل پیوستگی و تداوم ده تشبیه (توپ بزرگ خورشید، بام آسمان، باغ خیال، گوگرد برگها، باروت شاخه‌ها، چون چوب‌بست آتشبازی، خمپاره‌های گل، اسکلت شاخه‌ها، شیر شکوفه، زنجیر بغض) همراه با آرایه واج‌آرایی و مراعات النظیر (تناسب بین گوگرد، باروت، شعله، مشعل، آتشبازی، خمپاره، اسکلت و نیز تناسب بین پاییز، باغ، برگ، باد، شاخه، خورشید، درخت، گل، بهار، شکوفه، زجره و ...) و تشخیص (جاندار پنداری) در محور عمودی شعر است که هماهنگ و زنجیره‌وار و بدون هیچ ایستایی تا پایان شعر استمرار یافته‌اند. نادرپور با چنین ترفندها و شگردهای ادبی، باعث پویایی و تحرک تصاویر رمانتیکی خود شده است.
 عملکرد متناسب و هماهنگ دو تشبیه (کارگاه باغ، دار قالی هر کاج) همراه با تشخیص (جان بخشیدن به اشیا) و تناسب (مراعات النظیر) و واج‌آرایی و تداوم آنها، محور عمودی شعر زیر را پویا و مستحکم کرده است.

- در کارگاه باغ / از روی دار قالی هر کاج، برف صبح / صد رشته گسیخته آویخت تا زمین / صد رشته گسیخته پاره پاره را / تا پنجه نسیم، گره در گره زند / نخ در نخ افکند / آن فرش نیمه‌بافته نیمه‌کاره را (مجموعه اشعار، ص ۳۸۲).

از دیگر عواملی که باعث پویایی و تحرک تصاویر رمانتیکی نادرپور میشود و در غالب سروده‌های او نمایان است، تشبیهات بکر و غریب اوست که حاصل قدرت تفکر و تخیل و ذوق ادبی سرشار اوست. «تهران و من»

- هر صبح، چون زبان تر و خشک برگها / از نیش ناگهانی زنبور آفتاب / آماس میکند / تهران چو کرم پیر / در پيله‌ای تنیده ز ابریشم غبار / بیدار میشود / هر ظهر، چون زبان تب‌آلود برگها / طعم شراب تلخ و گس آفتاب را احساس میکند / من همچو کرم پیر / در پيله‌ای تنیده ز ابریشم خیال / از هوش میروم / شعری نگفته در دلم آماس میکند (مجموعه اشعار، ص ۳۲۰).

در شعر «تهران و من» بنگرید که چگونه شاعر با هنرمندی والای خود از محیط پیرامون و طبیعت اطرافش کمک گرفته تا بتواند حالات روحی و روانی خود را به شکل ملموستری به مخاطب خود القا کند. تشبیهات پی در پی و بکر بکار رفته در این سروده (زنبور آفتاب، تهران چو کرم پیر، شراب تلخ و گس آفتاب و ...) همچون رشته‌ای مصراعهای این شعر را در محور عمودی بهم می‌پیوند و بین آنها تناسب و هماهنگی برقرار میکند.

«فالگیر»

- کندوی آفتاب به پهلو فتاده بود / زنبورهای نور ز گردش گریخته / در پشت سبزه‌های لگدکوب آسمان / گلبرگهای شفق، تازه ریخته / کف‌بین پیر باد درآمد ز راه دور / پیچیده شال زرد خزان را

به گردنش ... / از بیم آن صدا [باد]، به زمین ریخت برگها / گویی هزار چلچله را در هوا زدند / هر برگ، همچو پنجهٔ دستی بریده بود / کف‌بین باد، طالع هر برگ دیده بود (مجموعه اشعار، نادرپور: صص ۳۲۷-۳۲۸).

محور عمودی و ساختار کلی شعر «فالگیر» از بهم پیوستگی و تداوم هشت تشبیه غریب (کندوی آفتاب، زنبورهای نور، سبزه‌های لگدکوب آسمان، گلبرگهای شفق، کف‌بین پیر باد، تشبیه برگها به هزار چلچله، هر برگ همچو پنجهٔ دستی بریده بود، کف‌بین باد) که در تار و پود این سروده تنیده شده، بوجود آمده است. زیبایی و گستردگی این تصاویر تا پایان شعر، سرودهٔ نادرپور را پویا و جذاب کرده است.

شفیعی کدکنی در مطالعهٔ نسبت ایستایی و پویایی میان تشبیه و استعاره میگوید: «تشبیه تصویری نزدیکتر به طبیعت و مستقیمتر از استعاره است و همین تفاوت در نزدیکی و دوری طبیعت است که باعث میشود عموماً در تشبیهات حرکت و جنبش بیشتر از استعاره‌ها باشد» (صور خیال در شعر فارسی، ص ۲۵۳). وی استفاده از تشبیهات تفصیلی و روایی را بجای استعاره‌های فشرده و نیز مادی بودن عناصر تشبیه را باعث حرکت و پویایی تصویرها میداند (ر.ک. همان: ص ۲۶۵). این دو خصیصه، یعنی استفاده از تشبیهات تفصیلی و روایی و مادی بودن عناصر تشبیه در این بخش از سروده‌های نادرپور و از جمله در شعر «شیههٔ خاموش» مشهود و نمایان است. تشبیهات غریب بکار رفته در هر بیت این سروده، اعم از مفرد و مرکب، پیوندی محکم و استوار بین ابیات برقرار کرده است. محور عمودی شعر و پویایی و استحکام ساختار آن، حاصل هماهنگی و بهم پیوستگی این تصاویر بکر در طول شعر است.

«شیههٔ خاموش»

<p>کوه، زانو زده چون اسب زمین خورده به راه مغز خورشید پریشان شده بر تیزی سنگ آسمان، کاسهٔ براق لعاب‌اندودی است تشنگی در رحم روسپی پیر زمین کوره‌راهی که خط انداخته بر پشت کویر گردبادی که برانگیخته گرد از تن راه</p>	<p>سینه انباشته از شیههٔ خاموش هلاک چون سواری که به یک تیر، درافتاده به خاک که ازو قطرهٔ آبی نتراویده برون نطفه‌ای کاشته از شهوت سوزان جنون جلد ماری است که خالی شده از خنجر خویش غول مستی است که برخاسته از بستر خویش</p> <p>(مجموعه اشعار، صص ۳۹۶-۳۹۷)</p>
---	--

براهنی ضمن بیان این مطلب که نادرپور در سیر رمانتیسم خود، بسوی نوعی تصویرگری گرایش یافته که کاملاً مخصوص اوست، شعر «شیههٔ خاموش» را از اشعار بسیار خوب نادرپور به حساب می‌آورد (طلا در مس، ص ۹۶۰).

۲-۳) انعکاس فردیت شاعر در تصویر (بیان آزاد احساسات و هیجانات فردی)

شاعر رمانتیک بیش از شاعران دیگر جریانهای شعری از خود سخن میگوید و حالات و روحيات و هیجانات شخصی خود را در سروده‌هایش بروز میدهد. «اشعار رمانتیکها مستقیم یا غیرمستقیم غالباً راجع به تلاطمها و جریانهای روحی شاعر است» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۲۴۶). در واقع او «فرمانروایی «من» را در هنر مستقر میسازد و بوسیله هنر، خواهشهای دل و رنجهای روح خود را بیان میدارد. هنرمند رمانتیک خویشتن را بجای قهرمان افسانه‌ای میگذارد و نمونه هم‌نوعان خویش قرار میدهد» (مکتبهای ادبی، ص ۱۸۰). نادرپور شاعر رمانتیکی است که احساسات و عواطف و دغدغه‌های روحی و روانی خود را در موضوعات و درونمایه‌های مختلف از طریق تصاویر و تشبیهات بکر خود بیان کرده است؛ بگونه‌ای که از طریق ژرفاندیشی در این تصاویر، میتوان با تأملات، حالات، روحیات و شخصیت او بهتر و بیشتر آشنا شد. اصولاً نادرپور، شاعر تلخ‌اندیش و بدبینی است که بخشی از آن متأثر از محیط و زندگی شخصی اوست و بخشی نیز به تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه عصر او، از جمله کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برمیگردد.

- چون آخرین ستاره گمراه آسمان
غلتیده‌ام به دامن بخت سیاه خویش
(مجموعه اشعار، ص ۱۴۰)

- زمین و من، دو تب‌آلودیم
پس از تشنج هذیانها
نهفته در دل خاموش
لهیب آتش عصیانها
(همان: ص ۲۴۲).

- اندام من اندام شمعی واژگون است (همان: ص ۲۷۵).

- ولی این نگون بخت [شاعر]، بر جای مانده
چو سنگی که سیلابش از سر گذشته
(همان: ص ۳۴۹)

شفیعی کدکنی درباره ارزش و اهمیت شعر دهه سی میگوید: «شعر این دوره، در نتیجه تکامل عوامل بسیار پیچیده تکنیکی و اجتماعی، از لحاظ ثبت تجارب روحی و شخصی و فردی هنرمندان دارای کمال اهمیت است» (ادوار شعر فارسی، ص ۶۴).

- شگفتا! که این مرد شوریده‌خاطر
ز فریاد خود بافت، زنجیر خود را
(مجموعه اشعار، ص ۳۴۹).

- وز آن شکاف، کوکب تنهای بخت من
چون شب‌نمی چکید و به خاک سیه نشست
(همان: ص ۳۳۵)

- پای مرا چو ریشه بی‌آب نخل پیر
در ژرفنای خاک به زنجیر بسته‌اند
(همان: ص ۳۶۹)

نادرپور برای به تصویر کشیدن اندیشه‌ها و تداعی حالات درونی و ذهنی خود از عنصر خیال‌انگیز تشبیه، بسیار استفاده کرده است. در نمونه‌های زیر، تشبیه نسیم به سگی بی‌اشتها، تشبیه هزار خار

به مژگان تیز کاج و تشبیه کردن شاعر، خودش را به قاب کهنه‌ خالی از عکس و به برج خراب و نقاب صورتش به تگه مقوای آبدیده زرد و سرش به حبه انگور زیر پا مانده، از تصاویر بکر نادرپور می‌باشد که در عین حال، احساسات و عواطف شخصی خودش را در خلال این تشبیهات غریب نمایش می‌دهد.

-تمن چون استخوان مردگان از گوشت خالی شد نسیم آن استخوان را چون سگی بی‌اشتها بویید
(همان: ص ۳۷۴)

-من آن شب، تازه از دیدار خود باز میگشتم چو قاب کهنه‌ای بودم ز عکس خویشتن خالی
(همان: ص ۳۷۵)

«در ادبیات رمانتیک تصویر فضایی را آماده میکند تا شاعر احساس و شعور فردی خود را در آن بریزد. در اینجا تصویر، هم‌رنگ احساس و شعور شاعر و سایه احساسات اوست و امکان نمایش فردیت و شخصیت هنری او را فراهم می‌آورد» (بلاغت تصویر، ص ۱۴۷).

- در من هزار خار چو مژگان تیز کاج / از لابه‌لای برف گل‌آلود سالیان / سر میکشد برون
(مجموعه اشعار، ۳۸۲).

- بسان تگه مقوای آبدیده زرد / نقاب صورتم از رنگ و خط تهی شده بود / سرم چو حبه انگور زیر پا مانده / به سطح صاف بدل گشته بود و حجم نداشت / ومن چو برج خراب از هراس ریزش خویش / به زیر سایه نسیان پناه می‌بردم (همان: ص ۴۲۵).

- من استخوانم، من پاره استخوانی سرد که دستی از بدن گرم شب بریده مرا
من آسمان شبم در حباب سربی ابر که جلوه‌ای ندهد پرتو سپیده مرا
(همان: صص ۳۴۲-۳۴۳)

- دلم در سینه چون طبل تهی میکوفت هم‌آواز دل بی‌تاب ساعت بود
(همان: ص ۲۴۷).

۲-۴) خیال‌پردازی

رمانتیکها به رؤیا و خیال‌پردازی تمایل وافری دارند و در واقع عاشق تخیل هستند. بهمین دلیل «عنصر بنیادین شعر را تخیل میدانند؛ زیرا بدون تخیل چیزی به نام شعر وجود ندارد. ایمان به تخیل نتیجه ایمان عصر جدید به فردیت و خویشتن انسان بود. تخیل به انسان امکان آفرینش میدهد و جمال وجدانیات شخصی را فراهم میکند» (بلاغت تصویر، ص ۱۱۶). نادرپور نیز از شاعران رمانتیکی است که به تصویر و تصویرآفرینی علاقه فراوانی دارد و بنیاد و شالوده اشعارش تصویر است. نادرپور در تصویرپردازی و تصویرآفرینی قدرت شگرف و خارق‌العاده‌ای دارد و از این حیث در بین شاعران رمانتیک معاصر کم‌نظیر است. تشبیهات او غریب، بکر و منحصر به فرد است و مخاطب را غافلگیر می‌کند. تشبیهات غریب(نو) و تصاویر ابداعی نادرپور، جزء «تصاویر مادر» محسوب

میگردد؛ «تصویر مادر یعنی تصویری که برای اولین بار شاعر میان عناصر آن، ارتباط ذهنی برقرار کرده و حاصل تجربه شخصی شاعر باشد» (صور خیال در شعر فارسی، ص ۱۹۳). این نوع تشبیهات غریب و تصاویر بدیع، نشان دهنده قدرت تخیل و تصویرآفرینی و تسلط نادرپور به فنون و مهارتهای شاعری است؛ چراکه «قدرت تخیل شاعر تا حد بسیار زیادی در کشف پیوند شباهت میان اشیا آشکار میشود» (سفر در مه، ص ۱۵۹). نادر نادرپور، بین امور و پدیده‌های ناساز و بیگانه از هم، پیوند برقرار میکند و آنها را بسیار هنرمندانه تلفیق میکند و در محور همنشینی مینشاند.

موارد زیر، نمونه‌هایی از تصاویر بکر و جذاب اوست:

- پیکرتراش پیرم و با تیشه خیال / یک شب ترا ز مرمر شعر آفریده‌ام
(مجموعه اشعار، ص ۲۵۷)
 - چو پُر شد جام چشمم از می خواب / صدای ساعت بیدار برخاست
(همان: ص ۱۵۸)
 - چو قارچه‌های سفید از جوی / حبابها همه پیدا شد
چو قارچه‌های سیه در کوی / هزار چتر سیه وا شد
(همان: ص ۲۵۳)
 - بازوی شاخه‌ها / چون بازوان لخت سیاهان زورمند / در روشنی به روغن باران سرشته بود (همان: ص ۲۳۷)
 - چابکتر از نسیم، دو گنجشک خردسال / از لانه پر زدند / گنجشکهای خرد / چون خفته‌ای که
زلزله آوارهاش کند / ترسان گریختند (همان: ص ۲۳۸)
 - دهنش برکه بدبویی است / که در او خون و لجن مرده‌ست
(همان: ص ۲۵۹)
 - سایه تو همچو قیر گرم به در ریخت (همان: ص ۲۸۲)
 - آمده بودی که جام گوش تو نوشد / جرعه گرم صدای منتظران را
(همان: ص ۲۸۳)
 - خواب گویی چون پرس‌توها / در میان تیرها [تیرهای سقف] میخفت
(همان: ص ۲۹۰)
 - ابریشم خیال (همان: ص ۳۲۰) / کرکس خیال (همان: ص ۳۴۲)
 - خاکستر سپید هزاران خیال دور (همان: ص ۳۸۵) / گلخانه خیال خزان دیده (همان: ص ۴۰۰).
- نادرپور با بازتر کردن زاویه تشبیه و نو کردن تشبیهات خود، باعث آشنایی‌زدایی و برجسته‌سازی و غریب‌نمایی در حوزه تشبیه شده است. کزازی در این باره میگوید: «گاه دوری و شگفتی تشبیه از آنست که مانده و مانسته را با یکدیگر پیوستگی و سازگاری نیست؛ آنچنانکه سخنور، تنها به

نقش تشبیه در بازتاب مضامین رمانتیکی سروده‌های نادر نادرپور / ۱۲۵

نیروی پندار شاعرانه، این دو را که نیک با یکدیگر بیگانه‌اند و ناساز، بهم می‌پیوندند؛ و با هم آشتی می‌دهد» (زیبا شناسی سخن پارسی (۱) بیان، ص ۶۳). نادرپور با بازگذاشتن زاویه تشبیه و انتخاب دو امر ناساز و بیگانه از هم بعنوان دو رکن تشبیه، تصاویر بکر و تشبیهات غریبی خلق کرده است. نمونه‌های زیر، از دیگر تشبیهات غریب و بکر نادرپور میباشد:

- در پنجه‌های سوخته‌اش مشعل دعاست (مجموعه اشعار، ص ۳۶۹).

- ساعت ز کار خویش فروماند و گوش داد / آونگ او چو مردمک چشم مردگان / از گردش ایستاد (همان: ص ۳۰۱).

- افق از لابه‌لای برگها، چون نقشه‌ی قالی (همان: ص ۳۷۴).

- نور سپیده چون نمک آبهای شور / ماسید بر کرانه‌ی دریای آسمان (همان: ص ۳۸۱).

- مژگان کاجهای تر از لابه‌لای برف / مانند شاخ شب‌پرگان از میان بال - سرمیکشد برون (همان: ص ۳۸۱).

- کوچه‌ی میعاد ما هر شب / چون رگی از خون ما پر بود (همان: ص ۳۳۳).

- بر شیشه، عنکبوت درشت شکستگی / تاری تنیده بود / الماسهای چشم تو بر شیشه خط کشید (همان: ص ۳۱۰).

- تار سکوت را چو نخ‌ی بیصدا گسیخت (همان: ص ۳۰۲). / نور از شکاف پنجره چون موم می‌چکد (همان: ص ۳۰۲).

- ای آفتاب وسوسه در من غروب کن (همان: ص ۳۱۶).

- کلاف پریشان صدها صدا (همان: ص ۳۱۷). / صدا در سینه‌ام چون آه میلرزد (همان: ص ۳۵۵).

۲-۵) نمود عشق زمینی در سروده‌های نادرپور

یکی از ویژگی‌های محتوایی-فکری جریان ادبی رمانتیسم فردی در دهه سی، پرداختن به عشق‌های زمینی و جسمانی است که نادرپور بخوبی توانسته با استفاده از تشبیهات بکر خود، این مؤلفه رمانتیکی را در سروده‌هایش بازتاب دهد. گویی رمانتیکها میخواهند اندکی از اندوه رمانتیکی خود را با خیال‌پردازی در این فضاها بکاهند. «در این دوره چهره‌ی معشوق آشکارتر و مشخص‌تر شد. شعرا از شکل موهوم معشوق گریزان شدند و به مسائل ملموس‌تری درباره‌ی عشق و روابط عاشقانه میان دو انسان روی آوردند» (ادوار شعر فارسی، صص ۶۱-۶۲). در توصیف عشق زمینی و جسمانی و لذت‌جویی‌های آن در سروده‌های نادرپور، تشبیه نقش مؤثری ایفا میکند. در این بخش، واژه‌هایی چون «چشم»، «بوسه»، «زلف»، «لب»، «اندام»، «نگاه»، «باده»، و «شراب» مواد و عناصر سازنده تشبیهات نادرپور بشمار می‌روند. «پس از بازگشت وی [نادرپور] از پاریس به ایران در سال ۱۳۳۱ از

- یکسو تحت تأثیر شاعران فرانسوی و از دیگرسو تحت تأثیر فضای شعری ایران به توصیف لذت‌جویی و کامیابی از زن و زیباییهای شهوتناک او میپردازد» (زندگینامه شاعران ایران، ص ۲۱۶). بسامد تصویرسازی با واژه‌های ذکر شده، در سروده‌های شاعر، آنقدر هست که ما بتوانیم عنوان «تشبیهات تغزلی - رمانتیکی» را به این نوع از تشبیهات نادرپور اطلاق کنیم. نام دو دفتر از مجموعه شعرهای نادرپور با این بخش از تشبیهات او، همسویی دارد؛ با نامهای «چشمها و دستها» (۱۳۲۶-۱۳۳۲) و «دختر جام» (۱۳۳۱-۱۳۳۳).
- چشمی به رنگ آبی سیر غروب داشت در چشم او هزار نوازش به خواب بود (مجموعه اشعار، ص ۱۷۱)
- طمع ز قصه جام جهان‌نما ببرید که چشم مست تو را جام جهان‌نما دانست (همان: ص ۲۶۵)
- من تشنه‌ام هنوز / از جام چشم او / یک جرعه آب نیز ننوشیده‌ام هنوز (همان: ص ۳۷۲).
- هر بوسه من قطره سیماب میشد (همان: ص ۳۷۱). / با ماهی سرخ‌رنگ لبه‌ایش (همان: ص ۲۹۷).
- با نگاه و خنده و بوسه در بهار چشمه‌های دانه می‌کارم (همان: ص ۲۴۹)
- «روح حاکم بر این تصاویر، روحی احساساتی، زنانه و سرشار از ناز و نوازش است. زبان بسیار ترد و فضای شعر نیز مینیاتوری و لطیف شده و مردانگی آن از بین رفته است» (بلاغت تصویر، ص ۱۲۲). «تصویرها و زبان به قدری لطیف و زنانه است که میتوان لقب «تصویر مؤنث» را به آنها نهاد» (همان: ص ۱۴۲).
- لبش چون جام سرخ از بوسه‌ای چند لبالب میشد و سرشار میشد (مجموعه اشعار، ص ۱۹۸)
- ساق سپید و لخت زنان، چون گلوی قو (همان: ص ۳۰۳).
- اندامش از نوازش مهتاب‌های دور رنگی به رنگ صبح بلورین، سپید داشت (همان: ص ۱۷۱)
- ز جام عشق تو چون باده نگاه کشید سبوی میکده را خالی از صفا دانست (همان: ص ۲۶۴).
- «شعر رمانتیک گاهی از صفای ساده دخترانه فراتر میرود و به عشقی هوسبازانه و شهوانی بدل میشود» (گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران (شعر)، ص ۲۹). سروده زیر با نام «دختر جام» با در بر گرفتن هشت تشبیه زیبا و بکر، از ذهن بلورین نادرپور تراوش کرده است. معشوق همچون ونوس دامن‌کشان از جام شراب شاعر بدر آمده است؛ لحظه‌ای چون حباب شراب به رقص آمده؛ در شب

نقش تشبیه در بازتاب مضامین رمانتیکی سروده‌های نادر نادرپور / ۱۲۷

موعود، اطاق شاعر مانند جام باده بود و نور چراغش رنگ باده داشت؛ شاعر همانند موجی آمده و معشوق را به رقص فراخوانده است؛ اما او چون حباب سراپا نگاه شده است و از اندیشه گناه چون یونسی که در دل ماهی فرو خزید، در جام شراب شاعر نهان شده است.
«دختر جام»

<p>دامن‌کشان ز جام شرابم برآمدی و آنگاه کف‌زنان به لب ساغر آمدی نور چراغ من به مثل رنگ باده داشت اما تو چون حباب سراپا شدی نگاه اشکی در آن نشست ز اندیشه گناه بار دگر به جام شرابم نهان شدی (مجموعه اشعار، ۱۷۵-۱۷۶)</p>	<p>- همچون «ونوس» کز صدفی سر برون کشید یک لحظه چون حباب شراب آمدی به رقص آن شب اطاق من به مثل جام باده بود من همچو موجی آمدم و خواندمت به رقص چشمان نیم‌خفته تو چون صدف شکفت چون یونسی که در دل ماهی فرو خزید</p>
---	---

در شعر «رؤیایی در آفتاب» نادرپور در تأکید و توصیف اندام معشوق، در تشبیهی بکر، چهار بار اندام او را به فواره کشیده تشبیه میکند. چشم خودش را به باغ و پاهای دستهای یار را به شاخه‌های نازک همانند میکند. نیروی ناشناخته‌ای، چون تب شراب در سر شاعر فوران میکند و معشوقش چون خون پاک در رگهایش و در پیکرش جاری میشود.
«رؤیایی در آفتاب»

- فواره کشیده اندامش، / در باغ چشم من / تا آسمان پرید / فواره کشیده اندامش - با شاخه‌های نازک پاهای و دستها / ابریشم هوا را تا آسمان درید ... / فواره کشیده اندامش / در من گشوده شد / در من پرش گرفت / نیروی ناشناخته‌ای، چون تب شراب / با مستی گداخته‌اش در سرم دوید / رگهای من گشوده شد و او چو خون پاک / در پیکرم دوید / فواره کشیده اندامش، در باغ چشم من / رقصید و چون کلاف، گره شد به دست باد ... (همان: صص ۴۲۹ - ۴۳۱).

۲-۶) ناکامی و یأس و اظهار ملال از زندگی

یکی دیگر از مشخصه‌ها و ویژگیهای محتوایی - فکری جریان ادبی رمانتیسم فردی، ناکامی و یأس و اظهار ملال از زندگی است که در سروده‌های نادرپور و در تشبیهات او بازتاب یافته است. این مضمون از یکسو از زندگی شخصی شاعر نشأت میگیرد و از سوی دیگر ناشی از اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانه و تحولات مهم عصر شاعر است. در این بخش نیز عنصر بلاغی تشبیه، نقش مؤثری در بازتاب این مضمون رمانتیکی دارد؛ چنانکه شاعر رمانتیک، یأس و ناامیدی و دلسردی خود را از زندگی به کمک تشبیه و با تعبیراتی چون «تک درخت»، «غروب غم‌انگیز»، «شاخه زرد»، «عجوزه جادوگر»، «زندان»، «کوره‌راه»، «نشیب بلاخیز» و «شب سیاه» بخوبی مینمایاند.

وی «اصولاً شاعری است مرگاندیش و بدبین و ذهنیت او غالباً کدر است» (چشم انداز شعر معاصر ایران. ص ۲۷۳).

- از تک درخت زندگی بی‌امید من
مرغان روزها همه یک یک پریده‌اند
(مجموعه اشعار، ص ۱۵۵)

- تنها درین غروب غم‌انگیز زندگی
افتاده‌ام چو سایه گمگشتگان به راه
(همان: ص ۱۵۵)

- در راه خود ز شاخه زرد حیات من
عشق مرا چو برگ خزان دیده ریختی
(همان: ص ۱۵۴)

- من کیستم؟ پرنده شبهای بی‌امید
سرداده در سکوت درختان، صدای خویش
گاهی چو ناله‌ای که ز دردی خبر دهد
کاتش زخم به خرمن آفاق بی‌فنا
گویی لهیب گریه باران مغربم
(همان: ص ۱۴۱)

- دردا که این عجزه جادوگر حیات
بار دگر فریفت مرا با چراغ خویش
اینک منم گریخته از بند زندگی
با زندگی چگونه توانم دوباره ساخت؟
(همان: ص ۱۶۶)

- گر زندگی گناه بزرگم بود
زین پس مرا امید گناهی نیست
(همان: ص ۱۸۱)

- زندان من که زندگیم بود
دیوارهای سخت و سیاه داشت
(همان: ص ۱۸۳)

- در کوره راه زندگیم جای پای تست (همان: ص ۱۹۲).

- عمر من، شبی سیاه و بی‌ستاره بود (همان: ص ۲۲۰).

- اکنون درین نشیب بلاخیز عمر من
کز زندگی به جانب مرگم کشیده است
(همان: ص ۲۰۸)

نهایت یأس شاعر و اظهار ملال او از زندگی و پشت کردن به آن، در سروده زیر نمایان است؛ نادرپور از مرگ میخواهد که داری همچون دار کاج به پا کند و او را از ریسمان دار، در بین زمین و آسمان رها کند.

- اما کجاست مرگ - که مانند دار کاج - / داری به پا کند / وز ریسمان دار / در بین آسمان و زمینم رها کند / تا دستهای باد / در تیرگی تکان دهد این گاهواره را (همان: ص ۳۸۲).

۲-۷) غم و اندوه رمانتیک

نادرپور شاعر تلخ‌اندیش و دردمندی است و زاویه دید تاریکی دارد. ناله و غم در تار و پود سروده‌هایش تنیده شده که این می‌تواند به سبب روحیه رمانتیکی او باشد؛ چرا که «این حزن و اندیشه، مثل دردی پنهانی، پیوسته در اشعار رمانتیکها طنین می‌اندازد» (مکتبهای ادبی، ص ۱۸۳). «روح رمانتیکی، روح اندوه و شکست و ناکامی است. اندوه رمانتیکی گونه‌های مختلفی دارد؛ گاه شخصی است و گاه اجتماعی» (بلاغت تصویر، ص ۱۴۱). و نادرپور با استفاده از تشبیه و با تصویرسازیهایش در این حوزه، غم و اندوه رمانتیکی خود را در سروده‌هایش به بهترین شکل، نشان داده است. وی با اندوه فراوان، خود را به «چنگ پُر از هزار نغمه اندوه»، «قطب زمین آفتاب‌نندیده»، «شام خزان پر از ملال»، «تار پر از ناله» و «ابر گریانی که در دلش آتش اندوه شعله‌ور است» تشبیه میکند و غم را چون «گلّه‌های سارهای سیاه» می‌بیند.

چنگ تهی مانده‌ام که زخمه تقدیر	پُر کندم از هزار نغمه اندوه
قطب زمینم که آفتاب نیبم	شام خزانم که جز ملال ندانم
تار پر از ناله‌ام به زخمه مکوبم	...

(مجموعه اشعار، صص ۲۱۵-۲۱۶)

- بازگشت هزاران غم گریخته را / - چو گلّه‌های گریزان سارهای سیاه - / از لابه‌لای ستونها نگاه می‌کردم (همان: ۴۲۶).

- آنگه در این آینه‌های کوچک دق	سیمای دردآلود خود را میشناسم
	(همان: ص ۲۷۵)

- ابر گریان غروبم که به خونابه اشک	میکشم در دل خود، آتش اندوهی را
سینه تنگ من از بار غمی سنگین است	پاره ابرم که نهان ساخته‌ام کوهی را
	(همان: ص ۲۹۱)

۳) نتیجه‌گیری

دهه سی یکی از مهمترین و فعالترین دوران ادبی رمانتیکها در ایران است. یکی از شاعران رمانتیک و شاخص دهه سی نادر نادرپور (۱۳۰۸ - ۱۳۷۸) میباشد. او شاعری تشبیه‌گراست و تشبیه، هسته اصلی و مرکزی خیالهای شاعرانه اوست. نتیجه پژوهش در تشبیهات نادرپور نشان میدهد که بسیاری از مضامین رمانتیسم و ویژگیهای تصاویر رمانتیکی در تشبیهات غریب و نوی این شاعر نمود یافته است. یکی از خصوصیات مهم سبکی سروده‌های نادرپور نقش مؤثر و کلیدی تشبیهات بویژه تشبیهات غریب و بکر او در ارائه و بازتاب ویژگیهای فکری- محتوایی جریان ادبی رمانتیسم فردی و خصلتهای تصویر رمانتیک میباشد. طبیعت‌گرایی، خیال‌پردازی، توجه به فردیت شاعر و بیان آزاد احساسات و عواطف شخصی، پویایی و تحرک تصاویر، ناکامی و یأس و اظهار ملال از زندگی، پرداختن به تغزل و عشق‌های مجازی، توصیف شهوت‌آلود از معشوقه‌های زمینی و غم و

اندوه رمانتیک از جمله مسائل و موضوعات اصلی هستند که درونمایه رمانتیسیم فردی نادرپور را تشکیل می‌دهند و در آیینۀ تشبیهات بکر او بازتاب و انعکاس یافته‌اند. ذهنیت رمانتیکی نادرپور زبان شعری او را در همین راستا قرار داده است. انس با طبیعت و طبیعت‌دوستی شاعر، بیان آزاد احساسات و هیجانات فردی و پویایی و تحرک تصاویر در سروده‌های نادرپور بسامد بیشتری نسبت به سایر موارد ذکر شده دارد که در سایه خیال‌پردازی نیرومند شاعر نمود یافته‌اند. مشخصه رمانتیکی اخیر، ناشی از پیوستگی و تداوم و گسترده‌گی تصاویر بویژه تشبیهات نوی او در محور عمودی شعر است. نادرپور با بازتر کردن زاویه تشبیه و اتحاد آزاد بین دو رکن تشبیه، تشبیهات خود را نو کرده و بدین طریق باعث آشنایی‌زدایی و برجسته‌سازی و غریب‌نمایی در حوزه تشبیه شده است. تصاویر بکر و تشبیهات غریب او جزء «تصاویر مادر» محسوب می‌گردند.

۴ منابع و مآخذ

- ۱- ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، شفیعی کدکنی، محمد رضا، ۱۳۸۳، چاپ دوم، تهران: سخن.
- ۲- زندگینامه شاعران ایران، منصوری، حسن، ۱۳۹۱، چاپ دوم، تهران: مهرداد.
- ۳- زیبا شناسی سخن پارسی (۱) بیان، کزازی، میر جلال الدین، ۱۳۷۰، چاپ دوم، تهران: مرکز.
- ۴- سفر در مه، پورنامداریان، تقی، ۱۳۸۱، چاپ دوم، تهران: نگاه.
- ۵- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمد رضا، ۱۳۸۳، چاپ نهم، تهران: آگاه.
- ۶- طلا در مس (در شعر و شاعری)، براهنی، رضا، ۱۳۸۰، سه جلد، تهران: زریاب.
- ۷- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما، ۱۳۸۷، تهران: مروارید.
- ۸- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، ۱۳۷۴، چاپ سوم، تهران: فردوس.
- ۹- گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران (شعر)، تسلیمی، علی، ۱۳۸۷، چاپ دوم، تهران: اختران.
- ۱۰- مجموعه اشعار، نادرپور، نادر، ۱۳۸۲، چاپ دوم، تهران: نگاه.
- ۱۱- «مرگ‌اندیشی خیامی در آثار دو شاعر فارسی و عربی: صلاح عبدالصبور و نادر نادرپور»، میرزایی، فرامرز؛ شریفیان، مهدی؛ پروانه، علی، در فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ۱۳۸۹، شماره ۱، بهار، صص ۱۵۹-۱۷۷.
- ۱۲- «برخی از معانی رمانتیستی در شعر نادرپور»، خلیلی جهان‌تیغ، مریم؛ دلرامی، علی، در پژوهش‌نامه ادب غنایی، سال هشتم، ۱۳۸۹، شماره ۱۴، بهار و تابستان، صص ۲۷-۵۲.
- ۱۳- معانی و بیان، همایی، جلال الدین، ۱۳۷۰، تهران: هما.
- ۱۴- مکتبهای ادبی، سید حسینی، رضا، ۱۳۸۹، چاپ شانزدهم، دو جلد، تهران: نگاه.
- ۱۵- هفتاد سال عاشقانه، مختاری، محمد، ۱۳۷۸، تهران: تیرازه.

نقش تشبیه در بازتاب مضامین رمانتیکی سروده‌های نادر نادرپور / ۱۳۱

- ۱۶- «بررسی پنج عنصر سازنده شعر در آثار نادر نادرپور»، شیوا نسب، محسن، ۱۳۹۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۱۷- «بررسی تطبیقی رمانتیسم در اشعار سید قطب و نادر نادرپور»، معروف، یحیی؛ نعمتی، فاروق، در نشریه ادبیات تطبیقی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کرمان، دوره جدید، سال سوم، ۱۳۹۰، شماره ۵، زمستان، صص ۲۵۴-۲۷۸.
- ۱۸- بلاغت تصویر، فتوحی، محمود، ۱۳۹۳، چاپ سوم، تهران: سخن.
- ۱۹- تاریخ تحلیلی شعر نو، لنگرودی، شمس، ۱۳۷۰، چهار جلد، چاپ اول، تهران: مرکز.
- ۲۰- چشم انداز شعر معاصر ایران، زرقانی، سید مهدی، ۱۳۸۷، چاپ سوم، تهران: ثالث.
- ۲۱- در جستجوی شعر(برگزیده بررسیهای ادبی)، عابدی، کامیار، ۱۳۸۲، چاپ دوم، تهران: نغمه زندگی.
- ۲۲- «روانشناسی درد در شعر نادرپور»، شریفیان، مهدی، در نشریه ادب و زبان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کرمان، دوره جدید، ۱۳۸۹، شماره ۲۷ (پیاپی ۲۴)، بهار.